نگاهی به زندگی و آثار علامه ذوالفنون از زبان خودش

آیت‌الله حسن‌زاده آملی بیش از جوان‌ها مطالعه می‌کرد

بخش فرهنگی – آیت الله حسن حسن‌زاده آملی ملقب به علامه حسن زاده فیلسوف متألّه، فقیه، عارف، منجم و مدرس دروس حوزوی شنبه شب در زادگاهش شهر آمل به دلیل بیماری قلبی دعوت حق را لبیک گفت. به این بهانه در گزارشی نگاهی به زندگی و آثار علامه ذوالفنون از زبان خودشان داشته‌ایم.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران(ایبنا) آیت الله حسن حسن‌زاده آملی ملقب به علامه حسن زاده فیلسوف متألّه، فقیه، عارف، منجم و مدرس دروس حوزوی شنبه شب در زادگاهش شهر آمل به دلیل بیماری قلبی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. علامه حسن زاده آملی در سن ۹۳ سالگی و پس از یک دوره سخت بیماری شنبه سوم مهر ماه ۱۴۰۰ دیده از جهان فروبست. علت فوت علامه از سوی مسئولان درمانی عارضه قلبی ناشی از کهولت سن اعلام شده است.

حضرت علامه آیةالله حسن زاده در کتاب «هزار و یک کلمه» در پاسخ به نامه شخصی که زندگی‌نامه ایشان را خواسته بود چنین می‌نویسند: با تحیّت و سلام: ارباب معرفت دانند که احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم تا چه اندازه برای همه طبقات اجتماع از هر حیث مفید است ولی این کمترین درباره خود چه بنگارد که نه تألیفی شایان تعریف دارد، و نه تصنیفی سزاوار تحسین. نه عقده‌ای را به بنان خود گشوده است، و نه مشکلی را به بیان خود حلّ کرده است. نه اهل حلّ و عقد است، و نه مرد رتق و فتق. نه بمقامی واصل شده است، و نه بهره‌ای از او حاصل. گویی درباره وی گفته آمد:

نه شکوفه‌ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارمهمه حیرتم که دهقان به چه کار کشت ما را

عمرش از خمسین بگذشت و خود هنوز از عقل هیولانی نگذشت، مع ذلک بنا بفرموده ایزد تعالی: وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها، و بدستور ولی الله اعظم امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق- علیهما السّلام- ردّ جواب الکتاب واجب کوجوب ردّ السلام، این چند جمله تحریر می‌گردد:

مشخصات

نام حسن و بشهرت حسن‌زاده آملی در هزار و سیصد و هفت هجری شمسی در ایران لاریجان آمل متولد، و در حجر کفالت و تحت مراقبت پدر و مادری الهی تربیت و از پستان پاک مادری مؤمنه عفیفه صدّیقه شیر نوشیده‌ام سقاهما الله و جمیع المؤمنین شرابا طهورا.

اساتید

تحصیلات کتب ابتدائیه را که در میان طلاب علوم دینیّه معمول و متداول است از نصاب الصبیان و جامع المقدمات و شرح الفیه و سیوطی و حاشیه ملا عبد الله بر تهذیب منطق و شرح جامی بر کافیه نحو و شمسیه در منطق و شرح نظام در صرف و مطول در معانی و بیان و بدیع و معالم در اصول و تبصره در فقه و مغنی اللبیب در نحو و شرایع محقق در فقه و چندین کتب جلدین شرح لمعه در فقه و قوانین در اصول تا مبحث عام و خاص را در آمل که همواره از قدیم الدهر واجد رجال علم بود، از محضر مبارک روحانیین آن شهر که همگی از این نشأه رخت بر بسته‌اند و بریاض قدس در جوار رحمت رب العالمین آرمیدند، فرا گرفتم. و نیز از بعضی تعلیم خط می‌گرفتم، تا اینکه خودم در آمل چند کتاب مقدماتی را تدریس می‌کردم. پس از آن در شهریور هزار و سیصد و بیست و نه شمسی بطهران آمدم و چند سالی در مدرسه مبارک حاج ابوالفتح- رحمة الله علیه- بسر بردم و باقی کتب شرح لمعه و از عام و خاص قوانین تا آخر جلدین آنرا در محضر شریف مرحوم آیة الله آقا سید احمد لواسانی- رضوان الله تعالی علیه- درس خوانده‌ام و بعد از آن چندین سال در مدرسه مبارک مروی بسر بردم تا بارشاد جناب آیة الله حاج شیخ محمد تقی آملی قدس سرّه بمحضر مبارک علامه حاج میرزا ابو الحسن شعرانی طهرانی مسجد حوضی- اعلی الله تعالی مقاماته- آشنا شدم و آن بزرگوار چون پدر مهربان سالیانی دراز در کنف عنایتش همّ خویش را بتربیت و تعلیم اینجانب مصروف داشت و از فنونی چند دری بروی این ناچیز بگشود: از منقول تمام مکاسب و رسائل شیخ انصاری (قده) و جلدین کفایه آخوند خراسانی (قده) و پس از آن کتاب طهارت و کتابهای صلوة و خمس و زکوة و حج وارث جواهر را بصورت درس فقه خارج استدلالی محققانه.

از معقول اکثر شرح خواجه طوسی قده بر اشارات ابن سینا قده و اکثر اسفار ملّاصدرا قده و کتاب نفس و حیوان و نبات و تشریح شفای شیخ رئیس که از کتاب نفس تا آخر طبیعیات شفاء است.

از تفسیر تمام دوره تفسیر مجمع البیان طبرسی از بدو تا ختم آن. از کتب قرائت و تجوید: شرح شاطبیه. از کتب ریاضی و هیئت و نجوم: فارسی هیئت قوشجی، و شرح چغمینی قاضی‌زاده رومی، و اصول اقلیدس و اکرمنالاؤوس بتحریر خواجه طوسی، و شرح علامه خفری بر تذکره خواجه، و از اول تا آخر زیج بهادری، و مجسطی بطلیموس به تحریر خواجه طوسی، و عمل بربع مجیّب و اسطرلاب.

از کتب رجال و درایه: دوره جلدین جامع الرواة اردبیلی و درایه فارسی که از مؤلفات خود آنجناب است. از کتب طب: قانونچه چغمینی و تشریح کلیات قانون شیخ رئیس بوعلی سینا و قسمت اعظم شرح نفیس بن عوض مشهور بشرح اسباب.

در آن سنوات استاد آیة الله حاج میرزا ابو الحسن رفیعی قزوینی- قدّس سرّه- از قزوین- بتهران تشریف‌فرما شدند و اقامت فرمودند که بهدایت جناب استاد شعرانی بحضور شریفش تشرّف یافتم و چند سال در محضر مبارکش نیز به تحصیل علوم نقلی و عقلی و عرفانی از اسفار صدر اعاظم فلاسفه و شرح علامه فناری بر مصباح الانس صدر الدین قونوی، و خارج فقه و اصول مشتغل بودم. آن عالم ربّانی بر این بنده ناچیز عنایات و توجّهات خاصّی مبذول داشت.

و نیز از محضر مبارک حکیم الهی و عارف ربّانی استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای- رضوان الله تعالی علیه- تمام حکمت منظومه متألّه سبزواری و مبحث نفس اسفار و حدود نصف شرح خواجه بر اشارات شیخ رئیس را تلمذ نموده‌ام و نیز در مجلس تفسیر قرآن آنجناب خوشه‌چین بوده‌ام. و آنجناب به من فرمودند وقتی به الحاح و ابرام شما خواستم درس منظومه را قبول و شروع کنم با قرآن مجید استخاره کرده‌ام این آیه کریمه آمد وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ.

و نیز مدتی مدید در تهران توفیق استفاضه از مباحث درس خارج فقه و اصول جناب استاد آیة الله حاج شیخ محمد تقی آملی- قدس سرّه- یافتم و نیز از اعاظمی که در تهران بادراک محضر مقدسش بهره‌مند بودم جناب حکیم الهی و عارف صمدانی استاد محمد حسین فاضل تونی- رحمة الله تعالی علیه- است که قسمتی از طبیعیات شفا و شرح علامه قیصری بر فصوص شیخ اکبر محیی الدین عربی را در نزد ایشان تلمذ نموده‌ام. و نیز قسمتی از طبیعیات شفا را در محضر مبارک جناب آیة الله حاج میرزا احمد آشتیانی (قده) خوانده‌ام.

در دوشنبه ۲۵ ج ۱/ ۱۳۸۳ ه ق برابر با ۲۲ مهر ۱۳۴۲ ه ش به قصد اقامت در قم تهران را ترک گفتیم. و اکنون که ماه ولایت رجب ۱۴۰۴ ه ق و اردیبهشت ۱۳۶۳ ه ش است در حدود ۲۱ سال است در حوزه علمیه قم که هنالک الولایة لله الحق بتدریس معارف حقّه محمّدی صلّی الله علیه و آله اشتغال دارم.

از کسانی که در قم بر این بنده حق بسیار عظیم دارند آیتین استادان علامه طباطبائی صاحب تفسیر عظیم المیزان- مدظلّه العالی- و برادر مکرّم آنجناب مرحوم محمد حسن آقای الهی طباطبائی- قدّس سرّه- است.

و نیز سالیانی در قم بمحضر مبارک تنی چند از آیات عظام در دروس فقه افتخار تشرف می‌یافتم و اخیرا توفیق الهی رفیق شد که از حضور شریف عبد صالح نبیه، مصداق الولد سر أبیه نجل جلیل آیة الله حاج سید علی قاضی تبریزی- قدّس سرّه- جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای سید مهدی قاضی- رضوان الله تعالی علیه- معارفی تحصیل نمایم. و همچنین بسیاری از آیات و اعاظم و افاخم علما را بر این بنده ناچیز حق استادی است. ولی اینهمه علل و اسباب ظاهری است و علة العلل و مسبّب الاسباب و مفیض و واهب علی الاطلاق حق جلّ و علی است الّذی علّم بالقلم علّم الانسان ما لم یعلم.

تالیفات

امّا تألیفات: برای اینکه نفس را مشغول باید داشت که حکما فرموده‌اند نفس را مشغول بدار وگرنه او تو را مشغول می‌کند، تعلیقات و حواشی بر کتب درسی از معقول و منقول و رسائل و جزوات در موضوعات و فنون گوناگون نوشته‌ام.

۱- شرح نهج البلاغة بنام تکملة منهاج البراعه به عربی در پنج جلد که تکمله منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة مرحوم میرزا حبیب الله خویی است و مقدمه آن بقلم استاد علامه حاج میرزا ابو الحسن شعرانی- رضوان الله تعالی علیه- در تقریظ کتاب مزّین است.

۲- رساله‌ای در ولایت و امامت.

۳- رساله‌ای در رؤیت و عدم آن بر مشرب حکمت و کلام.

۴- رساله‌ای در لقاء الله بر منهل عرفان.

۵- رساله‌ای به نام فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الأرباب.

۶- رساله‌ای در صبح و شفق و تحقیق در صبح صادق و کاذب و بیان طایفه‌ای از آیات و روایات در این موضوع. این پنج رساله در تکمله نامبرده بمناسباتی که پیش آمده است درج شده است.

۷- تصحیح و اعراب اصول کافی ثقة الاسلام کلینی- قدّس سرّه- که در دو جلد طبع شده است.

۸- رساله‌ای در ضبط اسماء روات احادیث بنام اضبط المقال فی ضبط اسماء الرجال که در آخر جلد اول کافی مذکور بطبع رسیده است.

۹- تصحیح خلاصه منهج الصادقین در تفسیر قرآن تألیف مرحوم ملافتح الله کاشانی.

۱۰- رساله‌ای در قرائت حفص بن سلیمان و ابوبکر بن عیّاش راویان عاصم ابن ابی النجود بهدلة که در آخر تفسیر منهج مذکور بطبع رسیده است. علت تألیف این رساله این بود که تفسیر منهج چه کبیر آن و چه خلاصه آن، بقرائت ابوبکر از عاصم ترجمه بفارسی شده است و قرائت متداول قرآن بقرائت حفص از عاصم است و قرائت عاصم همان قرائت امیر المؤمنین علی- علیه السلام- است مگر در ده کلمه قرآن چنانکه امین الاسلام طبرسی قدّس سرّه در تفسیر مجمع البیان بدان تصریح فرموده است. و این مطلب را در رساله فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب نقل کرده‌ایم که:

ان قراءة عاصم هی قراءة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب- علیه السلام- الّا فی عشر کلمات ادخلها ابوبکر فی قراءة عاصم حتی استخلصت قراءة علی- علیه السلام.

و علامه حلّی- رضوان الله علیه- در منتهی فرمود: «اضبط هذه القراءات السبع عند ارباب البصیرة هو قراءة عاصم المذکور بروایة أبی بکر بن عیاش». و در تذکره فرمود:

«ان هذا المصحف الموجود الآن هو مصحف علی- علیه السلام-».

راقم سطور در تدوین این رساله بسیار زحمت کشیده است. ولی ناگفته نماند که تصحیح تفسیر و رساله ما در قرائت که بانضمام آن چاپ شده است در ظهر کتاب بنام استاد علامه شعرانی- رضوان الله علیه- نوشته شد و این بنده بپاس احترام استاد متعرض ناشر نشد. و خود آنجناب از این عمل ناشر ناراحت شده بود و علّت عمل ناشر استفاده از شهرت مرحوم استاد بود- اللهم لا تجعل الدنیا اکبر همّنا-.

۱۱- تصحیح خزائن مرحوم نراقی با مقدمه و حواشی و تعلیقات اینجانب بعربی و فارسی.

۱۲- تصحیح کلیله و دمنه فارسی بقلم ابوالمعالی نصر الله منشی با مقدمه و حواشی و مآخذ اشعار و امثال و

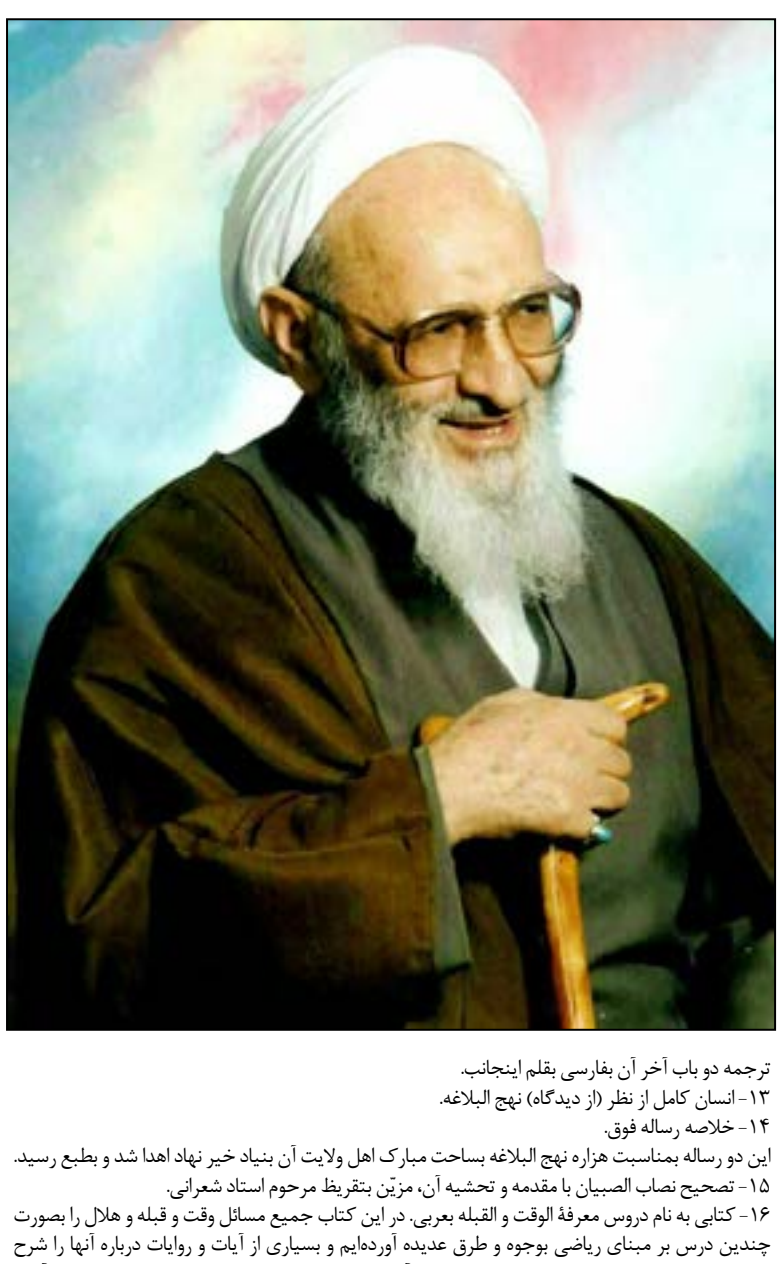

ترجمه دو باب آخر آن بفارسی بقلم اینجانب.

۱۳- انسان کامل از نظر (از دیدگاه) نهج البلاغه.

۱۴- خلاصه رساله فوق.

این دو رساله بمناسبت هزاره نهج البلاغه بساحت مبارک اهل ولایت آن بنیاد خیر نهاد اهدا شد و بطبع رسید.

۱۵- تصحیح نصاب الصبیان با مقدمه و تحشیه آن، مزیّن بتقریظ مرحوم استاد شعرانی.

۱۶- کتابی به نام دروس معرفة الوقت و القبله بعربی. در این کتاب جمیع مسائل وقت و قبله و هلال را بصورت چندین درس بر مبنای ریاضی بوجوه و طرق عدیده آورده‌ایم و بسیاری از آیات و روایات درباره آنها را شرح کرده‌ایم و به اقوال کتب فقهیّه متعرض شده‌ایم و آنچه را که احتیاج بشرح داشت بیان کرده‌ایم و بر آنچه که نظر داشته‌ایم نظر داده‌ایم و مباحث متفنّنه بسیاری در آن کتاب آورده‌ایم که هر درس آن خود رساله‌ای جداگانه است.

۱۷- شرح زیج بهادری بفارسی.

۱۸- تعلیقات بر اسفار صدر المتالهین بخصوص از اول جواهر و اعراض تا آخر آن بتفصیل.

۱۹- تعلیقات بر اول تا آخر شرح خواجه طوسی بر حکمت اشارات ابن سینا. و بتصحیح کامل آن از روی چندین نسخه شرح اشارات که در اثنای سه دوره تدریس آن بتمام و کمال تاکنون اشتغال داشتم، توفیق یافتم.

۲۰- تعلیقات بر دوره منطق منظومه متألّه سبزواری.

۲۱- رساله‌ای در مناسک حج و پاره‌ای از مسائل فقهیه در موضوعات عدیده.

۲۲- تعلیقات بر هشت باب معانی شرح مطول تفتازانی.

۲۳- شرح فصوص فارابی یکدوره کامل آن بفارسی.

۲۴- رساله‌ای در تجرد نفس ناطقه که در اثبات این مدّعی تاکنون بیش از هفتاد دلیل از کتب پیشینیان نقل کرده‌ایم و به ذکر آیات و روایات و مطالب مفید بسیار در این باب تبرّک جسته‌ایم.

۲۵- رساله‌ای در توقیفیّت اسماء.

۲۶- رساله‌ای در ردّ جبر و تفویض و اثبات امر بین الامرین بر مبنای حکمت متعالیه.

۲۷- رساله‌ای در مراتب و درجات قرآن مجید.

۲۸- دیوان اشعارم که ابتدای آن مزین بتقریظ استاد حکیم میرزا مهدی إلهی قمشه‌ای- قدّس سرّه- بخطّ خود آنجناب است.

۲۹- تعلیقات و حواشی بر دوره اصول اقلیدس و شرح صدور آن بتحریر خواجه طوسی. در تصحیح این کتاب از روی چندین نسخه خطی، که سه دوره بتدریس آن در حوزه علمیه قم توفیق یافته‌ام، زحمت بسیار کشیده‌ام.

۳۰- تعلیقات و حواشی بر اکرمانالاؤوس بتحریر خواجه طوسی، از آغاز تا انجام آن بتفصیل که خود بمنزله شرحی بر آنست.

این کتاب در مثلثات کروی و بخصوص در شکل قطاع کرّی (شکل مانالاوس) بحث کرده است. و در ترتیب کلاسیکی ریاضیات باصطلاح دانشمندان ریاضی ما از متوسطات است. این کتاب گرانقدر را در مدّت سه سال تحصیلی در حوزه علمیه قم یکدوره تدریس و آنرا از روی چندین نسخه خطی تصحیح کامل نموده‌ایم و در تعلیق و تحشیه آن بسیار زحمت کشیده‌ایم و در اینکار اثری قیّم بجا گذاشته‌ایم.

۳۱- تعلیقات بر اکرثاوذوسیوس از بدو تا ختم آن.

۳۲- تعلیقات بر مساکن از اول تا آخر آن.

۳۳- رساله‌ای در میل کلّی و مسائل متعدد هندسی و نجومی که در اقبال و ادبار معدل النهار و منطقة البروج در بیان بعض از آیات قرآنی بحث کرده‌ایم.

۳۴- رساله‌ای در علم اوفاق، که بیش از هفتاد درس است و بصورت دروس تنظیم شده است.

۳۵- رساله‌ای در ظل (تانژانت).

۳۶- رساله‌ای در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم.

۳۷- رساله‌ای در سیر و سلوک.

۳۸- الهی نامه.

۳۹- کتابی در نکات علمیه به نام هزار و یک نکته.

۴۰- رساله‌ای در تکسیر دائره و بیان نسبت محیط بقطر دائره یعنی بحث از پی.

۴۱- رساله‌ای در تحصیل بعد بین المرکزین که شرح مقاله‌ای از مجسطی بطلیموس است.

۴۲- دروس معرفت نفس بفارسی که تاکنون در حدود یکصد و پنجاه و پنج درس نوشته شده است.

۴۳- رساله‌ای مفصل و مبسوط در اتحاد عقل و عاقل و معقول.

۴۴- رساله‌ای در مثل (مثل افلاطونی) و عالم مثال و مثل معلقه.

۴۵- وجیزه‌ای در تجدد امثال عارف و حرکت جوهری حکیم.

۴۶- تعلیقات بر آغاز تا انجام تحفة الأجلّة فی معرفة القبلة، تالیف مرحوم سردار کابلی.

۴۷- رساله‌ای در تضاد.

۴۸- رساله‌ای در علم.

۴۹- رساله‌ای در جعل.

۵۰- تعلیقات بر شرح قیصری بر فصوص محیی الدین عربی.

۵۱- تعلیقات بر قبله ملا مظفر.

۵۲- مآخذ و مصادر نهج البلاغة و استدراکات بر آن.

۵۳- تعلیقات بر شرح علامه حلی بر تجرید خواجه طوسی قدس سرهما.

۵۴- رساله‌ای به نام مفاتیح المخازن که در حقیقت تکمله مقدمات دوازده‌گانه علامه قیصری بر شرح فصوص شیخ اکبر است.

۵۵- شرح فصوص محیی الدین بفارسی یکدوره کامل آن.

۵۶- رساله انه الحق.

۵۷- نهج الولایه.

۵۸- دروس اتحاد عاقل بمعقول.

۵۹- وحدت از دیدگاه عارف و حکیم.

۶۰- سی فصل در معرفت وقت و قبله.

۶۱- شرح باب توحید حدیقه سنائی غزنوی، و شرح ابیاتی از غزلیات خواجه حافظ، و حواشی بر شرح نیشابوری بر مجسطی و رسائل و جزوات و تعلیقات دیگر که حاجت بذکر آنها نیست چنانکه حاجت بذکر آنچه هم گفته‌ایم نبود.

عنایت امام رضا علیه السلام به علامه حسن‌زاده

در عنفوان جوانی و آغاز درس زندگانی که در مسجد جامع آمل سرگرم بصرف ایام در اسم و فعل و حرف بودم، و محو در فرا گرفتن صرف و نحو، در سحرخیزی و تهجّد عزمی راسخ و ارادتی ثابت داشتم؛ در رؤیای مبارک سحری به ارض اقدس رضوی تشرف حاصل کردم و بزیارت جمال دل‌آرای ولی الله اعظم ثامن الحجج علی بن موسی الرضا- علیه و علی آبائه و ابنائه آلاف التحیة و الثنا- نائل شدم.

در آن لیله مبارکه قبل از آنکه بحضور با هر النور امام- علیه السلام- مشرف شوم مرا به مسجدی بردند که در آن مزار حبیبی از احبّاء الله بود و به من فرمودند در کنار این تربت دو رکعت نماز حاجت بخوان و حاجت بخواه که برآورده است، من از روی عشق و علاقه مفرطی که به علم داشتم نماز خواندم و از خداوند سبحان علم خواستم.

سپس به پیشگاه والای امام هشتم سلطان دین رضا- روحی لتربته الفداء، و خاک درش تاج سرم- رسیدم و عرض ادب نمودم بدون اینکه سخنی بگویم امام که آگاه به سرّ من بود و اشتیاق و التهاب و تشنگی مرا برای تحصیل آب حیات علم می‌دانست فرمود نزدیک بیا، نزدیک رفتم و چشم به روی امام گشودم دیدم با دهانش آب دهانش را جمع کرد و بر لب آورد و بمن اشارت فرمود که بنوش، امام خم شد و من زبانم را درآوردم و با تمام حرص و ولع که خواستم لبهای امام را بخورم، از کوثر دهانش آن آب حیات را نوشیدم و در همان حال به قلبم خطور کرد که امیر المؤمنین علی- علیه السلام- فرمود: پیغمبر اکرم (ص) آب دهانش را به لبش آورد و من آنرا بخوردم که هزار در علم و از هر دری هزار در دیگری به روی من گشوده شد. پس از آن امام- علیه السلام- طی الارض را عملا به من بنمود، که از آن خواب نوشین شیرین که از هزاران سال بیداری من بهتر بود بدر آمدم، به آن نوید سحرگاهی امیدوارم که روزی بگفتار حافظ شیرین سخن برتر آیم که:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
وندران ظلمت شب آب حیاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی
آن شب قدر که این تازه براتم دادند
من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب
مستحق بودم و اینها بزکاتم دادند

اشعار

حسن‌زاده آملی در همان سن و سال کم به مطالعه کتاب‌های گلستان و بوستان سعدی و بهارستان جامی روی آورد. یکی از آثار حسن‌زاده آملی دیوان اشعار است که حدود پنج هزار بیت دارد و در قالب‌های غزل، رباعی، قصیده و ترجیع بند سروده شده، اما بیشتر اشعار در قالب غزل و در خصوص سیر و سلوک عرفانی است. دیوان اشعار حسن‌زاده به سبک شاعران گذشته همچون حافظ، مولوی و محمود شبستری سروده شده است.

جامعیت علمی

گذشته از فضائل عملی و معنوی حضرت علامه، بدون شکّ ایشان در جامعیّت در علوم اسلامی در عصر اخیر کم نظیر یا بی‌نظیر می‌باشند. کیفیّت سیر تحصیلی ایشان حقّا موجب اعجاب و اسوه حسنه برای همه طلاب می‌باشد و بر خلاف شهرتشان درعلوم عقلی و عرفانی، تحصیلات ایشان در فقه و اصول بیش از حکمت و عرفان است.

در اینجا از باب اختصار، به نقل ترجمه بخشی از فرمایشات علاّمه شعرانی ره درباره ایشان در حدود ۴۰ سال پیش، بسنده می‌شود.

در اجازه اجتهاد ایشان می‌فرمایند: «... همانا از جمله کسانی که هر دو غایت را برای خود محقّق کرده شایستگی اتّصاف به حیازت هر دو منقبت دارد مولانا الاجلّ الموفّق نجم الدّین و نور الصّبابة و مصباح العلم و شمس الهدایة شیخ حسن آملی معروف به حسن‌زاده است. او که خدای موفّقش بدارد بخشی از عمر خویش را در تحصیل کمالات انسانی و فضایل نفسانی صرف کرد بیست سال بلکه بیشتر او را آزمودم و امتحان نمودم. در این مدّت در او چیزی جز جدّ و اجتهاد ندیدم که موجب شین و مؤاخذه گردد. از علوم دین همه آن چیزهایی را که علماء دین واجب است بدانند گرد آورده است. او را باری ندیدم که از یادگیری علم واجبی تأنّف ورزد اگر چه جاهلان از آن علم کراهت داشتند و نیز او را ندیدم که به جهل و نادانی افتخار کند یا تقرّبا الی العوام خود را به نادانی به زند همان طور که گاهی از غیر او مشاهده می‌کنیم.

به این سبب است که او در علم قرآن: لفظ و معنایش، باطن و ظاهرش، قرائت و کتابتش و دیگر امور متعلّق به آن بر اقران خویش فائق و در تتبّع احادیث و علوم ادبی مورد نیاز در آن بر غیر خویش برتر گشته است. کلمات کتاب شریف کافی را ضبط کرده آن را به نحوی شگفت‌آور و به طرزی که بیشتر مردم از آن ناتوانند اعراب گذاری نموده است. او در علم نجوم و ریاضیّات وابسته به آن یدی طولی دارد و در استخراج هلال و کسوفین دارای مهارت است. شخصی که دانشی در این امر دارد او را آزموده مهارتش را در این امر بر استخراج دیگران ترجیح داده است. او در علوم شرعیّه عقلیّه و نقلیّه سوارکار ماهر میدان مسابقه است. من او را بر استنباط فروع از اصول توانا دیده‌ام و به او اجازه داده‌ام روایاتی که نقل آن برای من صحیح است از من روایت نماید. و درخواستم این است که مرا از دعا فراموش نفرماید. حرّره أبوالحسن المدعوّ بالعشرانی عفی عنه فی سنة ۱۳۹۳.»

و در تقریظ شرح نهج البلاغه ایشان می‌فرمایند: «... و چون بر اهتمام جناب فضال، ادیب بارع، عالم جامع، گردآورنده قصبات سبَق در میدان اکتناه حقایق و برنده قدح معلّی در استهام علوم و دقایق، دارنده فکرت نقّاده و فطنت وقّاده لوذعیّ المعیّ حبر مؤتمن حاج شیخ نجم الدّین حسن آملی طبری (ضاعف الله قدره) مطّلع گشتم شادمان شدم چون از مهارت و تتبّع و تبحّر او در علم و بردباری و تحمّل او در عمل آگاه بودم زیرا سالیانی است او را آزموده‌ام و باطن کارش را شناخته‌ام. فنونی را پیش من فرا گرفته است، چه فنونی که دیگر مشتغلین به آن‌ها اهتمام می‌ورزند و چه فنونی که دیگران به علّت غموض و پیچیدگی آنها به آنها اهتمام ندارند. ایشان در اصول فقه همانند سایر علوم کوتاهی نمی‌کرد و نسبت به آن قصوری نمی‌نمود .

همانا ابناء روزگار ما کم همّتند و به اندک چیزی از دانش قناعت می‌کنند همانند کسی که در اکل میته بر قدر ضرورت اکتفا می‌نماید. بسیاری از اینان را مشاهده می‌کنی که از علوم منسوب به شرع فراهم نمی‌آورند مگر مسایل محدودی را در اصول مانند فرق بین معنای حرفی و اسمی، صحیح و اعم، ترتّب، اجتماع امر و نهی، مقدّمه واجب، فرق بین تعارض و حکومت، اصل مثبت و غیر آن که از شمار انگشتان دست بیرون نیست، و مسایلی را در فقه مانند بیع معاطات، بیع فضولی و خیارات .

امّا شیخ ما که نامش را به بزرگی یاد کرده‌ایم نسبت به وقتش ضنّت و نسبت به عمرش خسّت نورزید بلکه آن را در علوم دینیّه صرف کرد و آنها را مُتقَن فرا گرفت. او در لغت و ادب استاد و به قرآن و قرائات و تفسیر قرآن عارف و در علم کلام و سایر علوم عقلیّه مُتقن و استوار و در حدیث و رجال و سایر علومی که دیگران آن را فضل می‌دانند و به آن اعتنا نمی‌کنند با آنکه احتیاج دین به ان علوم شدیدتر و بیشتر است تا آن علومی که در کسب شهرت و تحصیل عنوان اجتهاد به آن نیازمندند اهل نظر و اندیشمند است. افزون بر همه اینها همراه با علوم شرعیّه بسیاری از کتب ریاضیّه مانند مجسطی و اصول اقلیدس و اکر و شرح تذکره و غیر اینها را پیش من فرا گرفته است. و عمل به زیجهای جدید و استخراج تقویم و سیر کواکب و امور متعلّق به آنها را به خوبی مسلّط گشته است. خلاصه جناب ایشان برای تصدّی کارهای بزرگ شایسته است. امیدواریم این شرح را به نیکوترین صورت و بهترین شیوه تکمیل نماید. او پیش از این برخی از کتابها را اصلاح و شرح نموده و مهارت خود را به اثبات رسانده است. خداوند متعال به حق محمّد و اهل بیت طاهرش او را برای ترویج دین و دانش موفّق بفرماید.»

بیشتر از جوان‌ها مطالعه می‌کرد

حجت الاسلام عبدالله حسن زاده آملی در برنامه‌ای رادیویی در خصوص مقام علمی پدر از منظر علامه طباطبایی می‌گوید: علامه طباطبایی شبهای پنجشنبه جلساتی داشتند که به صورت دوره ای در منزل یکی از علما برگزار می‌شد و جلسه درس خصوصی آنها بود. در یکی از این شبها ایشان به اساتید حاضر در جلسه که همگی از بزرگان حوزه بوده اند می‌فرمایند که بروید هیئت و ریاضیات را نزد آقای حسن زاده بخوانید. و البته از آن جمع فقط یک نفر بعد از جلسه اظهار کرد که به من درس بدهید که ایشان آیت الله جوادی آملی بوده است.

پدرم در شبانه روز شاید فقط ۴ ساعت استراحت دارد و بقیه را به مطالعه و عبادت و امور زندگی می‌پردازد. گاهی ایشان می‌گفتند که من بیشتر از شما جوانها مطالعه می کنم و حقیقتا هم همینطور است. ایشان البته وقت مشخصی را هم برای خانواده اختصاص می‌دهد و در ساعات پیش از صرف غذا با گپ و گفت و گاهی نقل روایت سعی می‌کنند فضای خانه را عوض کنند.

حسن زاده با بیان اینکه علامه، احترام زیادی برای مادرم قائل هستند که این رفتار ایشان همیشه برای ما درس بوده است،می‌افزاید: پدرم دفترچه کوچکی دارند که من آن را دیده ام. ایشان در آن دفتر امور روزانه خود را محاسبه می‌کند و به خودش نمره می‌دهد. البته در دوران کودکی که آن دفتر را دیدم به نظرم کار دشواری نمی آمد ولی الان که می‌اندیشم می‌بینم چه کار سختی است که انسان عادلانه و به دور از نفسانیات بتواند از خویش حساب بکشد و به خودش نمره دهد.

مکاشفات و رویاهای صادق علامه حسن زاده آملی

پایگاه اطلاع رسانی علامه حسن زاده آملی درباره مکاشفات و رویاهای صادق علامه حسن زاده آملی می‌نویسد: «علامه نقل می کنند، در مبارک سحر لیله چهار شنبه هفدهم ربیع المولود ۱۴۰۲ هجری قمری مطابق بیست و سوم در ماه ۱۳۶۰ هجری شمسی فرخنده میلاد خاتم النبیاء (علیه السلام) و وصی او صادق آل محمد علیه الصلوه و السلام که به ترقیم رساله انه الحق به عنوان یادنامه استاد علامه طباطبایی که شب شصتم از رحلت آن جناب بود، اشتغال داشتم ، ناگهان مثال مبارکش با سیمای نورانی که از سیماهم فی وجوههم من اثر السجودحکایت می نمود، برایم متمثل شد - فتمثل لنا بشرا سویا - و تفقدی نمود که با لهجه ای شیرین و دلنشین از طیب طویت و حسن سیرت و سریرتم بشارتم داد تا چند لحظه ای در حضور انورش مشرف بودم ، و چون به خود آمدم تعبیر رفت که این تحفه و هدیه انه الحق مرضی خاطر آن متألّه به حق است.»